

1- Ivan to get a promotion to manager, but the management chose someone from outside the company . (استخدامی 98)

- (1had supposed 2) is supposing (3was supposed (4has supposed

گزینه « 3 » صحیح است.

ایوان انتظار گرفتن یک ترفیع به سطح مدیریت داشت، اما مدیریت شخصی از خارج از شرکت را انتخاب کرد. عبارت to be supposed to به معنی انتظار و توقع داشتن است. با توجه به اینکه زمان این دو جمله، زمان گذشته است و فاعل جمله یعنی Ivan سوم شخص مفرد می باشد پس فعل be مناسب برای پرکردن جای خالی was می باشد.

2- The man over there is a famous architect designs won an international award last year. (استخدامی 96)

- (1whose (2which (3who's (4whom

گزینه « 1 » صحیح است.

مردی که آنجاست، یک معمار مشهور است که طراحی هایش، یک جایزه بین المللی را در سال گذشته برنده شد. با توجه به اینکه ضمیر موصولی در اینجا جایگزین ضمیر مالکیت شده است یعنی جایگزین his در عبارت his designs شده، پس ضمیر موصولی مناسب whose می باشد.

3- The students would certainly have solved the problem more easily if they Their calculators . (استخدامی 98)

- (1have used (2would use (3used (4had used

گزینه « 4 » صحیح است.

دانش آموزان باید قطعاً مسئله را خیلی راحت تر حل می کردند اگر از ماشین حساب هایشان استفاده کرده بودند. جمله ها از نوع شرطی نوع سوم هستند و جمله ای که با if می آید زمان گذشته کامل (ماضی بعید) دارد و فعل جمله دیگر به شکل would + have + p.p می آید.

4- Students who have failed in the examination cannot to the next higher class . (استخدامی 97)

- (1have been promoting (2be promoted (3to be promoted (4promote

گزینه « 2 » صحیح است.

دانش آموزان در امتحان موفق نبودند و نمی توانند به کلاس بالاتر ارتقا داده شوند. از آنجا که فعل مجهول است و دانش آموزان مفعولی برای فعل promote هستند و همچنین با توجه به وجود فعل وجهی can در جمله گزینه 2 صحیح است.

5- The human psyche a powerful and at the same time delicate tool of perception and cognition. (استخدامی 96)

- 1) which is (2) is (3) that it is (4) it is

گزینه « 2 » صحیح است.

روان انسان، قدرتمند و در عین حال ابزاری ظریف از ادراک و شناخت است.
گزینه صحیح is می‌باشد فاعل جمله the human psyche ، سوم شخص مفرد محسوب می‌شود و فعل مناسب برای آن is می‌باشد.

6- Though he didn't find anything helpful in his inspection, the miner was happy to discover gold deeper underground . (استخدامی 99)

- (1) permanent (2) preliminary (3) inevitable (4) equivalent

گزینه « 2 » صحیح است.

هر چند او چیز کم‌کننده‌ای در تجسس‌های اولیه‌اش پیدا نکرد، معدن‌چی راضی بود که در عمق‌های پایین‌تر طلا کشف کند.

(1) دائمی (2) اولیه

(3) اجتناب‌ناپذیر (4) معادل

7- The man received over a million dollars in for the loss of his limb . (استخدامی 98)

- (1) constitution (2) facilitation (3) foundation (4) compensation

گزینه « 4 » صحیح است.

مرد بخاطر از دست دادن عضو بدنش، بیش از یک میلیون دلار غرامت دریافت کرد.

(1) قانون اساسی (2) تسهیل

(3) پایه (4) جبران خسارت، غرامت

8- The figures are so big that there is a risk that we may not see them in their proper (استخدامی 98)

- (1) proportion (2) participation (3) promotion (4) precision

گزینه « 4 » صحیح است.

ارقام آنقدر بزرگ هستند که این خطر وجود دارد که نتوانیم با دقت مناسب آنها را ببینیم.

- | | |
|-----------|----------------|
| (1) مقیاس | (2) مشارکت |
| (3) ترویج | (4) دقت، درستی |

9- Peter's wife is careful to all dairy products from his food due to his allergies . (استخدامی 97)

- | | | | |
|--------------|---------------|-------------|-------------|
| (1) estimate | (2) establish | (3) exclude | (4) enhance |
|--------------|---------------|-------------|-------------|

گزینه « 3 » صحیح است.

همسر پیتر، مواظب است تا تمام محصولات لبنی را بخاطر آلرژی اش از غذایش حذف کند.

- | | |
|-----------------------------|----------------|
| (1) تخمین زدن | (2) تأسیس کردن |
| (3) پرهیز کردن، استثنا کردن | (4) بالا بردن |

10- The growth of our company has been seriously by the poor state of the economy. (استخدامی 97)

- | | | | |
|-----------------|--------------|---------------|--------------|
| (1) constrained | (2) convened | (3) convinced | (4) consumed |
|-----------------|--------------|---------------|--------------|

گزینه « 1 » صحیح است.

رشد شرکت ما به طور جدی توسط شرایط ضعیف اقتصادی محدود شده است.

- | | |
|-----------------|---------------|
| (1) محدود شدن | (2) گرد آمدن |
| (3) متقاعد کردن | (4) مصرف کردن |

